

غدیر و منزلت قلم

در تاریخ ۸۲/۱۰/۲۹، در استان اصفهان همایشی به عنوان تجلیل از اهل قلم استان برگزار گردید، و چون روز گردهمایی مصادف با روز عید غدیر بود، حضرت آیه‌الله سبحانی، پیرامون دو موضوع: غدیر و منزلت قلم، به ایراد سخن پرداختند که بخش نخست آن در شماره گذشته از نظر خوانندگان ارجمند گذشت، اینک بخش دوم و پایانی آن:

رسالت قلم

انسان از روزی که با قلم آشنا شد، از دو بیان برخوردار گشت: یکی بیان زبانی، دیگری بیان قلمی، ولی بیان زبانی ثابت و پایدار نبوده، در حالی که بیان قلمی از ثبات برخوردار بوده است. مرحوم طبرسی این حقیقت را در جمله‌ای بیان می‌کند:

«انّ البیان بیانان بیان اللسان و بیان البنان، بیان اللسان تدرسه الأعوام، و بیان الأقالام باق علی مرّ الأعوام، انّ قوام امور الدین و الدنیا بشیئین: القلم و السیف، و

السيف تحت القلم^(۱)».

«بیان بر دو گونه است: بیان زبانی و بیان انگشتی. بیان زبانی را گذشت زمان از میان می برد، ولی بیان انگشتان با گذشت روزگاران باقی می ماند، پایه های دین و دنیا دو چیز است:

باید گفت: قلم های صدوق ها و مفیدها و طبرسی ها و بعداً شرف الدین و علامه امینی و علامه طباطبائی ها توانستند آرمان های دینی و عقاید اسلامی و ارزش های اخلاقی را از گزند روزگار حفظ کرده و شیاطین دین را از دستبرد به امانت های الهی مأیوس سازند.

قلم و قدرت، و قدرت
زیر فرمان قلم است.»

در روایات ما
مرکب قلم
دانشمندان بر خون
شهادت ترجیح دارد،
در روایتی امام
صادق علیه السلام

می فرماید:

«اذا كان يوم القيامة جمع الله عزوجل الناس في صعيد واحد و وضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء»^(۲).

«چون روز قیامت شود، خداوند همگان را در یک زمین گرد آورد و ترازوها برپا شود، خون شهدا با مرکب قلم علماء سنجیده می شود. آنگاه مرکب قلم دانشمندان بر خون شهدا برتری پیدا می کند.»

گاهی انسان از خود سؤال می کند: چگونه مرکب قلم دانشمندی که در گوشه کتابخانه نشسته و صفحاتی را نگاشته است، بر خون شهیدی که هستی خود را در راه

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۲۰.

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۳۲.

خدا داده است، برتری پیدا می‌کند؟.

پاسخ آن این است که قلم دانشمندان، و حرکتهای علمی آنان، شهیدان را تربیت می‌کند، و آنها را به جبهه می‌فرستد، و اگر این آموزش‌ها نبود هرگز شهیدی در معرکه جنگ شریعت شهادت نمی‌نوشتید.

باید گفت: قلم‌های صدوق‌ها و مفیدها و طبرسی‌ها و بعداً شرف‌الدین و علامه امینی و علامه طباطبائی‌ها توانستند آرمان‌های دینی و عقاید اسلامی و ارزش‌های اخلاقی را از گزند روزگار حفظ کرده و شیاطین دین را از دستبرد به امانت‌های الهی مایوس سازند.

اصولاً حافظ و نگهبان اصول و فروع اسلام، قلم و خامه دانشمندان است. پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، نگارش حدیث از طرف خلفاء ممنوع گردید، و آنچه هم از سخنان آن حضرت در حال حیات وی نوشته شده بود، به آتش کشیده شد^(۱). ولی کتاب امام علی علیه السلام که به املاء رسول خدا و به خط امام بود، در میان خاندان رسالت محفوظ ماند، و امامان معصوم گاهی به آن استناد می‌کردند، و احیاناً خط امام را به یاران خود نشان می‌دادند^(۲). از وفات پیامبر تا آغاز غیبت صغری (۲۶۰) یعنی دو‌یست و پنجاه سال پس از رحلت پیامبر، علماء و دانشمندان شیعه، با امکانات بسیار کم، و در خوف و تقیه، قریب ده هزار کتاب نوشتند و اصول اربعمائه معروف، بخشی از آنها است^(۳).

و امامان بزرگوار، پیوسته اصحاب خود را به نگارش حدیث دعوت می‌کردند، و

۱. خطیب بغدادی، تقیید العلم، ص ۴۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲ از ابواب لباس مصلی، حدیث ۱.

۳. المراجعات، مراجعه ۱۰۹، ص ۵۳۶.

می فرمودند: «احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیها»^(۱).

قلم و خامه های بزرگان شیعه بود که مذهب را، از آسیب دشمنان صیانت بخشید، در دوران شکوفایی مسائل کلامی، و ظهور مذاهب و عقاید، صاحب قلمهای شیعه، در برابر مخالفان ایستاده با نگارش ردیه ها به تیرهای مسموم آنان پاسخ گفتند. اگر به فهرست آثار بزرگانی مانند هشام بن الحکم متوفای ۱۹۹، و فضل بن شاذان متوفای ۲۶۰

و شیخ
مفید
متوفای
۴۱۳، در
رجال
نجاشی^(۲)
مراجعه
کنیم،

۱. صدای گردش قلم های دانشمندان به هنگام نوشتن (چون در گذشته قلم نی وسیله نگارش بوده و به هنگام کشیدن آن روی کاغذ، صدای خاصی تولید می کرد).
۲. صدای گام های مجاهدان در میدان جهاد.
۳. صدای نخ ریزی زنان پاکدامن.

خواهیم دید که بخش اعظم آثار علمی آنان را ردیه ها، و پاسخ گویی به شبهات تشکیل می دهد. کتاب «کمال الدین» صدوق (م ۳۸۱) که در پاسخ به شبهات شکاکان در مسائل مربوط به حضرت ولی عصر نوشته شده، هنوز هم می درخشد با اینکه این کتاب ده قرن و اندی قبل نوشته شده است، تو گویی صدوق در عصر حاضر زندگی می کند، و به شبهات پاسخ می دهد.

والد ماجد ما مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین سبحانی خیابانی نقل می کرد

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۲، باب روایة الکتب، حدیث شماره ۱۰.

۲. رجال نجاشی، شماره های ۱۱۶۵، ۸۳۸ و ۱۰۶۸، چاپ دارالاضواء.

که روزی مرحوم شیخ الشریعہ اصفهانی (م ۱۳۳۹) از حقوق بزرگ دو عالم شیعی، یکی شیخ مفید، دومی محقق کرکی (۹۲۰) یاد کرد و فرمود: شیخ مفید در تنظیم عقاید، و محقق کرکی در تحکیم مبانی فقه، حق عظیمی بر شیعه دارند.

در اواسط قرن ششم یک عالم سنی به نام محمد بن محمود سلجوقی در تاریخ ۵۵۵ دو کتاب به نام‌های ۱. بعض فضائح الروافض، ۲. تاریخ آیام و امام، نوشت، چیزی نگذشت متکلم بزرگ شیعه به نام «عبدالجلیل قزوینی رازی» در سال‌های ۵۵۹-۵۶۶، در نقد آن، کتابی به نام «مثالب النواصب فی النقض علی بعض فضائح الروافض» معروف به کتاب «النقض» نوشت. خوشبختانه کتاب زیر نظر مرحوم ارموی چاپ شد.

از اعصار گذشته بگذریم از تأثیرگذاری دو قلم در عصر حاضر سخن بگوییم:

۱. خامه مرحوم شرف‌الدین عاملی مؤلف المراجعات (م ۱۳۷۷ هـ). وی، با نگارش این کتاب لرزه‌ای در میان مخالفان پدید آورد، این کتاب به قدری جذاب و شیرین است که خواننده تا آن را به پایان نرساند، حاضر به بستن آن نیست.

از مرحوم آیت‌الله سلطانی (سید محمد باقر طباطبائی بروجردی) نقل شده که می‌گفت: وقتی کتاب المراجعات، به آیت‌الله بروجردی تقدیم شد، ایشان همه کتاب را در ظرف یک شب مطالعه فرمودند.

۲. قلم حضرت امام خمینی علیه السلام. ما از میان آثار فراوان ایشان به کتاب ارزشمند وی «کشف الأسرار» اشاره می‌نمائیم: در تاریخ ۱۳۶۲ ق، کتابچه‌ای به نام «اسرار هزار ساله» منتشر شد و در آن، شبهات مخالفان درباره تشیع با ادبیات جدید عرضه شده بود و با تیراژ وسیعی منتشر شده و اثر سوئی در میان جوانان گذاشته بود. کتاب کشف اسرار، در آن روزگار که با قلم محکم و محتوای مستدل نگارش یافت، بسان آب گوارایی بود که به تشنگان معرفت تقدیم گردید.

البته این، به آن معنی نیست که آثار علمی و قلمی دیگر بزرگان تأثیر زیادی نداشتند. همگان می‌دانیم که کتاب شریف «الغدیر»، سنگرهایی را فتح کرد و تفسیر ارزشمند «المیزان» اثر ماندگاری است که موافق و مخالف آن را می‌ستایند و همچنین فکر و آثار علمی دیگر علماء و بزرگان ما.

متأسفانه امروز بسیاری از قلم‌ها در خدمت فساد و اشاعهٔ فحشا و به یک معنی در خدمت بیگانگان است. به امید روزی که در پرتو قدرت نظام اسلامی، تمام قلم‌ها در مسیر سعادت بشری قرار گیرد.

سخن دربارهٔ اهمیت قلم، فزون بر آن است که در این جا حتی با اشاره، حق آن ادا شود، کافی است که در مفاد این حدیث که از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده است دقت کنیم:

سه چیز است که صدای آنها پرده‌ها را پاره کرده و به پیشگاه خدا می‌رسد:

۱. صدای گردش قلم‌های دانشمندان به هنگام نوشتن (چون در گذشته قلم نی وسیلهٔ نگارش بوده و به هنگام کشیدن آن روی کاغذ، صدای خاصی تولید می‌کرد).

۲. صدای گام‌های مجاهدان در میدان جهاد.

۳. صدای نخریسی زنان پاکدامن.

بخش نخست، اشاره به رکن فرهنگی جامعه و بخش دوم اشاره به قدرت نظامی و سومی اشاره به قدرت اقتصادی است، یعنی هر کشوری باید در سعادت خود، از این سه چیز بهره بگیرد^(۱).

۱. «ثلاثة تخرق الحجب و تنتهی الی ما بین یدی اللہ: صریر اقلام العلماء، و وطأ اقدام المجاهدین و

متأسفانه امروز بسیاری از قلم‌ها در خدمت فساد و اشاعه فحشا و به یک معنی در خدمت بیگانگان است. به امید روزی که در پرتو قدرت نظام اسلامی، تمام قلم‌ها در مسیر سعادت بشری قرار گیرد.

در پایان به رابطه جواب قسم با مُقسم به در آیه «ن * و القلم و ما یسطرون» اشاره می‌کنیم، زیرا قلم و دوات، نشانه علم و عقل است، در این صورت برای اثبات این معنی که پیامبر ﷺ نعوذ بالله دیوانه نیست و دارای عقل کامل است، خداوند به آن سوگند یاد می‌کند.

چگونه می‌توان او را مجنون و دیوانه خواند در حالی که در نخستین روزهای بعثت خود سخن از علم و قلم به میان می‌آورد، و اولین جمله‌ای که به او وحی می‌شود، جمله «اقرأ» است. آیا یک فرد مجنون، از علم و قلم طرفداری می‌کند و یا به آن سوگند یاد می‌کند؟

در قرآن مجید ماده علم با صیغه‌های مختلف حدود ۷۷۹ بار وارد شده است. آیا یک فرد دور از فرهنگ و فاقد آگاهی، این همه از علم و دانش دم می‌زند و پیوسته می‌گوید: «هَلْ یَسْتَوِی الذِّینَ یَعْلَمُونَ وَ الذِّینَ لَا یَعْلَمُونَ»^(۱). «آیا اهل دانش و مردم نادان یکسانند؟»

تاریخ می‌گوید: روزی که پیامبر اکرم ﷺ به رسالت مبعوث شد در مکه تنها ۱۷ نفر و در مدینه ۱۱ نفر قدرت خواندن و نوشتن داشتند ولی پس از پی‌ریزی تمدن اسلامی، مسلمانان تمدن را قبضه کرده و علومی را پی‌ریزی کردند و جهان را از دانش خود تغذیه نمودند.

صوت مغازل المحصنات الشهاب فی الحکم و الآداب، تألیف شیخ یحیی بحرانی، ص ۲۲.